

*Critical Studies in Texts and Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 22, No. 7, Autumn 2022, 127-147  
Doi: 10.30465/CRTLS.2022.37657.2323

## **A Critique on the Book**

### ***Analysis of the Immaculate Conception of the Qur'an in the Teachings of the Qur'an and Sunnah***

**Askar Babazadeh Aghdam\***

**Hossein Taktabar Firoozjayi\*\*, Mohammad Mahdi Roshan Chasli\*\*\***

#### **Abstract**

Thought reviews and critiques of thought go back to ancient Greece and Aristotle's Poetry. Criticism aims to refine the public taste and educate the author's thought; in the meantime, critique of the books can also improve the quality of content and beauty. This study investigates the book *Analysis of the Immaculate Conception of the Qur'an in the Teachings of the Qur'an and Sunnah* based on the analytical-descriptive method. The weaknesses include lack of compelling title, typographical errors in the form of inaccuracies in the citation, ambiguity, repetition, generalization, lack of reference to the necessity of research, and lack of footing. The reason for this is that some content is basic and there is no innovation in the content category. At the same time, it has the following strengths: beautiful calligraphy with good handwriting, annotations, and many footnotes that sometimes show up in vague descriptions of words and expressions, and beautiful layouts. Besides, the design on the cover could be much more beautiful than it is, for example, a picture of the miracle of the creation of the heavens or a picture of the staff of Moses, which turns into a dragon. Regarding the content, it also has strong

\* Associate Professor of Arabic Language and Literature, Qom University, Iran, University of Holy Quran Sciences and Education, Iran (Corresponding Author), babazadeh@quran.ac.ir

\*\* Associate Professor of Arabic Language and Literature, Qom University, Iran, h.taktabar@gmail.com

\*\*\* Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Payame Noor University, Iran, MMroshan1046@pnu.ac.ir

Date received: 08-05-2022, Date of acceptance: 24-08-2022



points such as: coherence and logical order of the contents and its sequence and specialized view on the subject of miracles.

**Keywords:** *Holy Quran*, Book Review, Miracle, Incomparability of *Quran*, Aspects of Miracle.

## تحلیل و نقد کتاب

### تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت

عسگر بابازاده اقدام\*

حسین تک‌تبار فیروزجایی\*\*، محمدمهدی روشن چسلی\*\*\*

#### چکیده

اندیشه نقد و نقد اندیشه به یونان باستان و بوطیقای ارسطو می‌رسد. نقد بر آن است تا ذوق عامه را تهذیب و فکر نویسنده را تربیت کند. در این میان، نقد کتاب‌های تألیف‌شده می‌تواند به تقویت کیفی محتوا و زیبایی شکلی اثر منجر شود. این پژوهش تحلیل و نقد شکلی و محتوایی کتاب تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت را با روش تحلیلی - توصیفی دنبال می‌کند. برپایه یافته‌های پژوهش، این کتاب نقاط قوتی از جمله حروف‌نگاری زیبا، نوع قلم خوب، حاشیه‌نگاری، و پانوشته‌های بسیار دارد که گاه در شرح و توضیح واژه‌ها و اصطلاحات مبهم خودنمایی می‌کند. غنای اطلاعاتی، ارزش آموزشی کتاب، قوت بعد پژوهشی آن، و هم‌چنین کیفیت منابع مورد استفاده و میزان امانت‌داری در ارجاعات کتاب نیز از دیگر نقاط قوت اثر به‌شمار می‌رود. با این‌همه، انتخاب طرح جلد نامناسب، رعایت‌نکردن معیارهای اصولی طراحی جلد، تکرار مطالب، بی‌توجهی به اطلاعات و سابقه پیشینی مخاطبان، فقدان تناسب میان عنوان و محتوا، فقر نوآوری در محتوا، غفلت از وجوه مختلف اعجاز قرآن و دیدگاه‌های

\* دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

babazadeh@quran.ac.ir

\*\* دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه قم، ایران، h.taktabar@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، MMroshan1046@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۲



صاحب‌نظران این عرصه، و به‌طور کلی فقدان نگاه تخصصی به اعجاز قرآن از مهم‌ترین نقاط ضعف آن به‌شمار می‌رود.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، نقد کتاب، اعجاز، همانندناپذیری قرآن، وجوه اعجاز.

## ۱. مقدمه

شاید مهم‌ترین و درعین حال پرچالش‌ترین بعد قرآن، به‌عنوان سند دین مبارک اسلام، معجزه‌بودن آن باشد. از قرون اولیه اسلامی، مفسران و دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان آثار مختلفی پیرامون وجوه مختلف اعجاز قرآن کریم به‌سامان رسانده‌اند که برخی از این آثار در قالب نظریه‌ها، آراء، و دیدگاه‌ها و برخی دیگر در قالب گردآوری‌ها، تفاسیر، رساله‌ها، و... عرضه شده است. براینکه این آثار نشان می‌دهد که هر پژوهش‌گری از دو جنبه لفظی و معنوی به این بعد از کتاب الهی نگریسته است و در این میان، مباحث مشترک و متفاوت فراوانی در این آثار طرح شده است که ذکر همه آن‌ها در این مجال نمی‌گنجد. بااین‌حال، اطلاع از ماهیت اعجاز، وجوه، و چرایی و چگونگی آن برای هر مسلمانی اهمیت خاص دارد تا بتواند از ره‌گذر آن از حقانیت مکتب و آیین خود اطمینان حاصل کند.

در سال‌های اخیر، با گسترش آموزش عالی و مراکز دانشگاهی و تأسیس رشته‌های الهیات و علوم قرآن و حدیث، استادان و مدرسان این مراکز و رشته‌ها به تألیف آثار فراخور نیاز دانشجویان این رشته‌ها روی آوردند. لزوم نگارش آثار منطبق با اهداف و ماهیت این مراکز و رشته‌ها صاحب‌نظران را بر آن داشته است تا در آثار تألیفی تناسب با نیازهای مخاطبان و زمینه‌سازی برای پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات را در دستورکار خود قرار دهند (اسلامی ۱۳۹۱: ۴۵). تأسیس مراکز و شوراهای نقد متون گامی در جهت رسیدن به این اهداف به‌شمار می‌رود. گفتار حاضر، با ملاحظه این ضرورت بر آن است تا یکی از آثار مهم و پیش‌گام در حوزه اعجاز قرآن را از منظر اصول و روش‌شناسی تألیف کتب دانشگاهی ارزیابی کند. مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش در قالب دو پرسش زیر طرح شده است: ۱. مهم‌ترین محاسن و معایب شکلی و محتوایی کتاب *تحلیل همانندناپذیری قرآن* در *آموزه‌های قرآن و سنت* کدام است؟ ۲. این کتاب تا چه حد می‌تواند انتظارات دانشجویان مقطع دکتری را در درس اعجاز قرآن کریم برآورده کند؟

کتاب *تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت*، اثر حجت‌الاسلام فتح‌الله نجارزادگان، شامل ۱۸۲ صفحه از منشورات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم

انسانی دانشگاه‌ها (سمت) است که در سال ۱۳۹۷ برای اولین بار منتشر شده است. این کتاب یک مقدمه و دو بخش دارد. بخش اول با عنوان «آموزه‌های اساسی در تبیین معجزات» شامل سه گفتار است که در گفتار اول به معناشناسی معجزه، پیشینه، و ضرورت پژوهش، در گفتار دوم به حکمت نیاز به معجزات، و در گفتار سوم به انتظار از معجزات می‌پردازد. بخش دوم هم، با عنوان «تبیین همانندناپذیری (اعجاز) و حقانیت قرآن»، شامل پنج گفتار به شرح ذیل است: گفتار اول ادله اثبات اعجاز قرآن، گفتار دوم وجوه اعجاز قرآن در قرآن، گفتار سوم وجوه اعجاز قرآن در استنباط قرآن پژوهان، گفتار چهارم فرایند تحدی و تهدید، و گفتار پنجم معناشناسی مثل و معیارهای مثلث در آیات تحدی.

## ۲. پیشینه تحقیق

مسئله اعجاز قرآن یکی از عرصه‌های پر مناقشه و چالش برانگیز در علوم و معارف قرآنی است و از دیرباز دانشمندان و پژوهش‌گران علوم قرآنی مباحث درازدامنی را در این عرصه ارائه داده‌اند. باین‌حال، هنوز حرف‌های ناگفته بسیاری نیز هست که مجال بروز و ظهور نیافته‌اند. از سوی دیگر، تلاقی آرا و دیدگاه‌های مختلف درباره وجوه اعجاز قرآن به نوعی نقد یک‌دیگر به‌شمار می‌رود و بر این اساس، باب مناقشه در این حوزه هم‌چنان باز است و جای پژوهش‌های دیگری در این عرصه خالی است. در این میان، در خصوص موضوع پژوهش حاضر، که بررسی و نقد کتاب تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت است، تاکنون پژوهشی سامان نیافته است. تنها جلسه‌ای با حضور مؤلف محترم کتاب و دو تن از ناقدان، به نام‌های علی راد و محمدعلی محمدی، در پردیس فارابی دانشگاه تهران در دی‌ماه ۱۳۹۸ تشکیل شده است که در آن کتاب به‌لحاظ ساختاری و محتوایی ارزیابی شده است. از آن‌جاکه نقد شفاهی به‌سبب آسیب‌هایی چون تجامل و برخی محذورات و هم‌دلی‌ها شاید نتواند امکان رسیدن به نتیجه مطلوب را فراهم کند، نویسندگان بر آن شدند تا فارغ از این آسیب‌ها به بررسی و نقد کتاب اقدام کنند.

## ۳. فتح‌الله نجارزادگان

فتح‌الله نجارزادگان متولد ۱۳۳۷ ش در اصفهان دارای کارشناسی ارشد و دکترای علوم قرآن و عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران است. علاوه‌براین، تحصیلات حوزوی نیز دارد و از

محضر استنادانی چون محمدهادی معرفت، جوادی آملی، هاشمی شاهرودی، و مصباح یزدی بهره برده است. از سوابق آموزشی وی می‌توان به تدریس دروس اصول فلسفه، علوم قرآن، حدیث، و تفسیر در دانشکده اصول‌الدین و مدارس جهانی علوم اسلامی و دانشگاه تهران اشاره کرد.

او آثار پژوهشی متعددی را تألیف کرده است و از مهم‌ترین کتاب‌های وی می‌توان به این موارد اشاره کرد: *سلامه القرآن من التحریف* کتاب برگزیده سال ۱۳۸۳ جمهوری اسلامی، *ویژگی‌های امام علی (ع)* کتاب سال ۱۳۸۳ حوزه علمی در بخش ترجمه، و *مجموعه تراث الشیعه القرآنی* حائز رتبه دوم سومین همایش اهل قلم اصفهان در سال ۱۳۸۴. نجارزادگان حدود صد مقاله علمی در نشریات داخلی و بین‌المللی نیز به چاپ رسانده است که موضوع و محتوای آن‌ها نشان‌دهنده کثرت و وسعت مطالعاتی وی و درعین حال، تسلطش بر موضوعات قرآنی و حدیثی است. (see <<https://www.najarzadegan.ir>>).

#### ۴. ارزیابی ساختاری کتاب *تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های*

##### *قرآن و سنت*

ساختار کتاب‌های درسی دانشگاهی، باتوجه‌به اهداف آموزشی و نوع درس، می‌تواند متفاوت باشد. داشتن ساختار مناسب تأثیر زیادی در جذابیت کتاب برای خواننده و نقش مهمی در یادگیری دارد (رضی ۱۳۸۸: ۲۷). بنابراین، ظاهر بیرونی کتاب، ساختار مناسب و منسجم، عنوان، فهرست مطالب و حجم آن‌ها، سبک و زبان مناسب، صفحه‌آرایی، پانوشته‌ها، و خاتمه‌نویسی در یادگیری و کاربست محتوای اثر تأثیر فراوانی دارند (زارع برمی ۱۴۰۰: ۱۰۰).

##### ۱,۴ طرح جلد

باتوجه‌به این‌که بیش‌تر افراد کتاب را براساس جلد آن قضاوت می‌کنند و جلد کتاب به‌نوعی اولین راه ارتباطی نویسنده با خواننده است، لذا انتخاب طرح جلد مناسب اهمیت بسیار دارد. تصاویر و قلم انتخاب‌شده در جلد باید بهترین کیفیت را داشته باشد و در سریع‌ترین زمان ممکن با مخاطب ارتباط برقرار کند. رنگ‌بندی طرح روی جلد نیز باید به‌گونه‌ای انتخاب شود که عنوان در آن بیش‌تر به‌چشم آید. در طراحی روی جلد کتاب

## تحلیل و نقد کتاب تحلیل همانندناپذیری ... (عسگر بابازاده اقدم و دیگران) ۱۳۳

می‌توان از روش اسرارآمیزبودن نیز استفاده کرد. بدین معنا که ذهن بیننده کتاب را مشغول و مشتاق به خواندن کتاب کند (غلام‌علی پورزندی ۱۳۹۹: ۳۸). هم‌چنین، باید تا حد امکان از پیچیدگی طرح خودداری و از طرحی ساده استفاده کرد. طرح جلد کتاب موردبحث از علائم و تصاویر خالی است و از ترکیب دو رنگ خاکستری در قسمت حاشیه‌ها و زرد طلایی در قسمت مرکزی تشکیل شده است. باتوجه به این که نوع رنگ به‌کاررفته در طرح جلد بایستی با محتوای اثر مرتبط باشد و برای مثال، اگر کتابی با موضوع بورس و اقتصاد باشد، نبایستی از رنگ قرمز در آن استفاده کرد و برعکس، اگر کتابی با موضوع ادبیات مقاومت باشد، معمولاً از رنگ قرمز در جلد آن استفاده می‌شود (همان: ۳۹). به‌نظر می‌رسد رنگ خاکستری و زرد، به‌دلیل داشتن مفهوم اعتبار و دانش و دوستانه و گرم‌بودن، با محتوای اثر ارتباط برقرار نکرده است. بهتر بود در طرح جلد کتاب از رنگ آبی که به‌مفهوم اعتماد، آرامش، و تفکر است و در فرهنگ اسلامی رنگ مقدسی است و از احترام خاصی برخوردار است استفاده می‌شد، زیرا رنگ آبی رنگ آسمان است که جایگاه خدا و فرشتگان و موجودات پاک است و بر همین اساس است که گنبدها و مناره‌های مساجد و زیارتگاه‌ها را هم‌چون پل ارتباطی میان زمین و آسمان به رنگ آبی می‌سازند (علی‌اکبرزاده ۱۳۷۵: ۶۳). رنگ سبز نیز، که به مفهوم زندگی و حیات است، جای‌گزین خوبی برای رنگ جلد این کتاب می‌توانست باشد.

نوع قلم به‌کاررفته در عبارت عنوان نستعلیق است که هرچند در بسیاری از کتاب‌ها مورداستفاده قرار می‌گیرد، معمولاً در عنوان کتاب‌ها در طرح جلد از قلم‌های بی‌زر، بی‌نازنین، و بی‌لوتوس استفاده می‌شود (اسلامی ۱۳۹۱: ۵۴). سادگی طرح جلد کتاب یادشده، از لحاظ استفاده از اشکال و تصاویر مختلف، هرچند قابل توجه است، اگر از محتوای اثر دیدگاهی کلی بر روی جلد ظاهر می‌شد، خالی از لطف نبود. به‌عنوان مثال، ذکر آیه‌ای از قرآن با موضوع اعجاز یا تصویری ساده و گویا از معجزات قرآن در پس‌زمینه جلد به‌خوبی می‌توانست طرح جلدی اصولی و زیبا را ارائه دهد.

## ۲,۴ عنوان کتاب

عنوان هر اثر جلوه‌ای از هویت آن و فشرده‌ای منضبط از محتوای آن است (حرّی ۱۳۸۱: ۱۰). عنوان یک پژوهش از کلماتی محدود شکل می‌یابد، اما این کلمات در جلب‌نظر و توجه و حتی در میزان یادگیری و فروش اثر نیز تأثیرگذار است. صاحب‌نظران اصولی چون

جزئی‌بودن، گویایی، اختصار، دقت، و جذابیت را برای عناوین آثار علمی ضروری برشمرده‌اند (خاکی ۱۳۹۰: ۱۰). در عنوان بایستی از آوردن واژه‌های «بررسی...»، «تحقیق درباره...»، «مطالعه...»، و... تا حد امکان خودداری کرد، زیرا پژوهشی که انجام می‌شود، خود بررسی و مطالعه علمی موضوع است (فتوحی ۱۳۸۷: ۱۶۳). با نگاه به عنوان کتاب موردبحث احساس می‌شود نویسنده تلاش کرده است تا جذابیت و طرح تازه موضوع موردبررسی خود را نشان دهد، اما استفاده از واژه «تحلیل» در عنوان کتاب به‌جا نیست، چراکه اساس هدف مؤلف محترم در اثر خود تحلیل بوده است. نکته دیگری که با نگاه به عنوان کتاب به‌ذهن می‌رسد کاربرد واژه «هماندناپذیری» است. هرچند نویسنده خواسته با استفاده از این واژه ادبیات متمایزی در موضوع اعجاز قرآن ارائه دهد، این کلمه نمی‌تواند جای‌گزین خوبی برای واژه اعجاز باشد. به‌نظر می‌رسد همانندناپذیری را بتوان برای هر اثری که برای اولین‌بار خلق می‌شود به‌کار برد، اما زمانی که مشابه و نمونه پیشرفته آن تولید شد، آن اثر قبلی از حیث همانندناپذیری ساقط می‌شود. مثلاً، وقتی برای اولین‌بار هواپیما اختراع شد، ذهن بشر آن را همانندناپذیر قلمداد می‌کرد، اما با پیشرفت فناوری و تولید هواپیماهای پیشرفته کاربرد مفهوم همانندناپذیری برای آن بی‌مورد است. لذا، به‌سبب توافقی که عموم برای معجزه‌بودن قرآن دارند، هیچ واژه‌ای بهتر از «اعجاز» برای قرآن زیبا و رسا نمی‌نماید. ذکر واژه «سنت» در عنوان کتاب نیز این انتظار را ایجاد کرده است که مؤلف محترم هم از روایات شیعه و هم از روایات اهل سنت بهره بگیرد، درحالی‌که صرفاً به روایات شیعه بسنده کرده است.

### ۳,۴ صفحه‌آرایی و زبان نگارش

از برجسته‌ترین ویژگی‌های ظاهری این کتاب می‌توان به زبان نوشتاری صریح، گویا، و صفحه‌آرایی زیبایی آن اشاره کرد. قلم به‌کاررفته در کتاب قلمی مناسب برای متن فارسی و خواناست. بندهای به‌جا و کوتاه، جز در مواردی اندک که بندها طولانی و خسته‌کننده‌اند (بنگرید به نجارزادگان ۱۳۹۷: ۱۳، ۱۴، ۴۷، ۵۱، ۵۲)، اندازه قلم تیتراها و مثال‌های عربی که با قلمی ضخیم و متفاوت با متن فارسی در سراسر کتاب چشم‌نوازی می‌کند، و جمله‌بندی‌های مطلوب کتاب، که اغلب کوتاه، زودباب، و آسان‌فهم‌اند، جلوه ظاهری مطلوبی به کتاب بخشیده‌اند. تورفتگی‌های ابتدای بندهای دوم به بعد در هر صفحه به‌خوبی اعمال شده‌اند. فاصله بین خطوط ۱/۱۵ سانتی‌متر است. در سرصفحه‌ها نام فصل و عنوان



زیرمجموعه‌ها درج شده است. پانویست‌های هر صفحه با قلم ریزتر نوشته شده و هر صفحه از ۲۴ سطر تشکیل شده است که برای کتاب در قطع وزیری مناسب است. حاشیه‌گذاری‌های هر صفحه از چهار سمت به صورت کامل رعایت شده است. اغلاط تایپی بسیار نادر و کمی بیش‌تر از تعداد انگشتان یک دست است. تنها نکته‌ای که پیش‌نهاد می‌شود این است که آیات شریف داخل پرانتز گل‌دار قرار داده شوند تا نمای کتاب زیباتر شود.

## ۵. ارزیابی محتوایی کتاب

کتاب حاضر در یک مجموعه ۱۸۲ صفحه‌ای شامل درآمد و در دو بخش سازمان یافته است. بخش اول با عنوان «آموزه‌های اساسی در تبیین معجزات» در سه گفتار و بخش دوم با عنوان «تبیین همانندناپذیری (اعجاز) و حقانیت قرآن» در پنج گفتار سامان‌دهی شده است.

مؤلف محترم در جلسه نقدی که با حضور دو تن از استادان این رشته تشکیل شد، مدعی نوآوری‌هایی بی‌سابقه در کتاب شد. این پژوهش تلاش می‌کند تا مدعای وی را براساس برخی مؤلفه‌های ارزیابی کتب درسی دانشگاهی بررسی کند.

## ۱,۵ جامعیت و روزآمدی کتاب

منظور از جامعیت یک اثر آن است که کامل‌ترین مباحث و منابع را در پرداختن به بحث خود به کار گرفته باشد. هرچند در عمل از هیچ اثری نمی‌توان انتظار جامعیت را به معنای کامل آن داشت، اما دست‌کم می‌توان از آن انتظار جامعیت نسبی را داشت. به این معنا که بیش‌تر مخاطبان اثر، با مطالعه آن، به اغلب مباحث موردنظر دست یابند (رضی ۱۳۸۸: ۲۲). نویسنده در این اثر تلاش کرده است تا با ارائه طرحتی نو در مسئله اعجاز قرآن و اثبات آن از تکرار مطالب پیشین خودداری کند. نگاهی به فهرست مطالب کتاب حاکی از آن است که نویسنده تا حدود زیادی توانسته است جامعیت نسبی را به دست آورد. گفتار دوم از بخش اول، «حکمت نیاز به معجزات»، به همراه دو فصل زیرمجموعه‌اش، از مطالب جدیدی است که این اثر در مقایسه با منابع مشابه دارد. با این حال، مطابق انتظاری که از عنوان کتاب برمی‌آید، لازم بود که نویسنده، پس از تعریف معجزه، وجوه و انواع اعجاز‌های

قرآنی را بررسی می‌کرد و آن‌گاه به تحلیل‌های بعدی وارد می‌شد. از این‌رو، طبق تعریفی که از جامعیت کتاب ارائه شد، وجوه مختلف موضوعی در این اثر به‌خوبی پوشش داده نشده است. علاوه بر آن، کاربرد کلمه «سنت» در عنوان هم این انتظار را ایجاد کرده است که نویسنده محترم فصلی را به مقوله اعجاز از دیدگاه سنت اختصاص دهد که در متن کتاب به این مهم توجهی نشده است. نمود سنت در این کتاب بسیار کم‌سو و ناچیز است، به‌حدی که اگر این واژه از عنوان حذف شود، هیچ خللی در ساختار فعلی کتاب ایجاد نمی‌شود.

یکی از مؤلفه‌های مهم در ارزیابی جامعیت یک اثر شناسایی و بهره‌مندی مؤلف از مجلات و مؤلفان مرتبط با رشته خود است. با نگاهی به منابع یادشده در پایان کتاب، هیچ اثری از مجلات علمی دیده نمی‌شود. باین‌حال، کثرت منابع این کتاب یکی از امتیازات برجسته آن تلقی می‌شود و استفاده از منابع مهمی هم‌چون *فکره اعجاز القرآن* نعیم الحمصی، *اعجاز القرآن* مصطفی رافعی نشان از توجه مؤلف محترم به مؤلفان متخصص در این حوزه دارد.

مؤلفه دیگر در ارزیابی جامعیت یک اثر فراتر رفتن آن اثر در مقایسه با آثار مشابه در زمینه موضوعی است (منصوریان ۱۳۹۲: ۱۰). گفتار اول و سوم از بخش اول در اغلب منابع نگاشته‌شده در موضوع اعجاز وجود دارد و نوآوری خاصی در آن دیده نمی‌شود. گفتار اول، سوم، چهارم، و پنجم از بخش دوم نیز به‌طور کلی در اکثر منابع از جمله *اعجاز القرآن* فضل حسن عباس و *مباحث فی اعجاز القرآن* مصطفی مسلم وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت موضوع اعجاز قرآن، که محور کتاب حاضر است، نتوانسته است تا حد مطلوب تحولات موضوعی رشته موردبررسی خود را نشان دهد. از این‌رو، پیش‌نهاد می‌شود نویسنده با مراجعه به آخرین یافته‌های موجود، در مجموعه مقالات سمینارها و منابع الکترونیکی، محتوای کتاب را روزآمد و جامعیت آن را به‌حدی مقبول برساند.

## ۲,۵ توان استنادی کتاب

منظور از توان استنادی یک اثر این است که مطالب آن چگونه و با چه کیفیت و کمیتی در مقایسه با منابع پیشین با موضوع مشابه نوشته شده است. البته، هیچ اثری نمی‌تواند در فضایی خالی و به‌صورتی ناگهانی تولید شود و نویسنده هم نمی‌تواند تمامیت آن را یک‌سره متعلق به خود بداند، ولی افزودن مطلب و محتوایی تازه به مطالب آثار پیشین انتظاری است

که از آثار تألیفی و تحقیقی همیشه مطرح است. کثرت پژوهش‌های نویسنده کتاب مورد بحث حاکی از وسعت اطلاعاتی وی و تسلطش به منابع و مدارک موجود در زمینه علوم قرآنی است و این مقوله در منابع مورداستفاده کتاب خود را نشان داده است. استناد به حدود ۱۱۰ منبع در کتابی ۱۸۰ صفحه‌ای، که آثار معتبر فراوانی در لابه‌لای آن‌ها مشاهده می‌شود، به ارزش استنادی کتاب افزوده است، هرچند برخی منابع با موضوع اعجاز نیز در دست‌رس‌اند که استفاده و مراجعه مؤلف محترم بدان‌ها خالی از لطف نبود؛ هم‌چون آثار فضل حسن عباس، مصطفی مسلم، و... که در این کتاب مغفول مانده‌اند. آثار هسته و تأثیرگذار مرتبط پیشین هم‌چون *فکره اعجاز القرآن نعیم الحمصی، البرهان فی علوم القرآن* زرکشی، *اعجاز القرآن باقلانی، و الاعجاز فی دراسات السابقین عبدالکریم خطیب* بارها در این اثر مورداستناد در غنای مطلب مؤثر بوده‌اند.

از دیگر مؤلفه‌هایی که در اعتبار کتاب تأثیر مثبت داشته، امانت‌داری در استفاده از منابع مختلف است. نویسنده ارجاعات و استنادات خود را با نهایت دقت و وسواس انجام داده و اثر خود را در این حفظ این امانت‌داری برجسته کرده است. اما یک نمونه از بی‌دقتی از ارجاعات مشاهده می‌شود، آن‌جا که به‌نقل از ابن‌فارس می‌نویسد: «ع.ج.ز. أصلان صحیحان یدلّ أحدهما علی الضعف و الآخر علی مؤخر الشیء» (نजारزادگان ۱۳۹۷: ۶). حال، اگر به کتاب *ترتیب مقایس اللغه* مراجعه کنیم، می‌بینیم که چنین است: «العین و الجیم و الزاء أصلان صحیحان یدلّ أحدهما علی الضعف و الآخر علی مؤخر الشیء» (ابن‌فارس ۱۳۶۶: ۶۱۱). همان‌طور که مشاهده می‌شود، ابن‌فارس «العین و الجیم و الزاء...» آورده، اما نویسنده محترم حروف را خلاصه کرده و به‌جای حرف عطف واو نقطه گذاشته است. از طرفی، در ترجمه این عبارت کمی بی‌دقتی شده است: «عجز کلمه صحیح از دو ریشه است: یکی بر ضعف و ناتوانی و دیگری بر آخر هر چیزی دلالت دارد» (نजारزادگان ۱۳۹۷: ۶)، درحالی‌که با دقت در ترتیب *مقایس اللغه* و خواندن مقدمه کتاب متوجه می‌شویم که منظور ابن‌فارس از «أصلان صحیحان» دو معنای اصلی جدا از هم است، نه دو ریشه، چراکه لفظ دو ریشه‌داشتن برای واژه‌ای در زبان عربی مخاطب را به این مسئله رهنمون می‌شود که مثلاً «عجز» یک بار از ریشه «عَجَزَ» است و بار دوم از ریشه فرضاً «زَعَجَ» است، درحالی‌که مقصود ابن‌فارس این است که واژه دو معنی اصلی دارد که با یک‌دیگر ارتباطی ندارند. وقتی ابن‌فارس می‌گوید: «له أصلان»، یعنی آن کلمه در آغاز برای دو معنای مستقل و

بی‌ارتباط باهم وضع شده است (طیب حسینی ۱۳۹۶: ۵۲). بنابراین، با دریافت درست مقصود نویسنده ابهام از ترجمه زدوده می‌شود.

از سؤالات مهمی که باید در ارزیابی استنادی یک منبع ملاک قرار گیرد این است که تا چه میزان نویسنده به آرای موافقان و مخالفان موضوع خود توجه داشته است؟ (بنگرید به منصوریان ۱۳۹۲: ۷). یکی از ناقدان در جلسه نقد شفاهی این کتاب می‌گوید:

من تلاش کرده‌ام ذهنم را در نقد این اثر فراتر از الهیات شیعی ببرم. لذا، تصور کرده‌ام که این نقد نه در قم و پردیس فارابی، بلکه در مرکز و گفتمان دیگری فارغ از الهیات شیعه در حال نقد است.

وی، با بیان این‌که من برای پرهیز از هم‌دلی‌های ناخواسته که در نقد رخ می‌دهد، به ارزیابی و خوانش متن پرداخته‌ام، افزود:

سؤال من این است که این اثر چه میزان در ذهن یک فرد غیرمسلمان کارآمد است. البته، اگر گفته شود برای غیرمسلمانان نوشته نشده، نقد من بر باد است.

این ناقد با بیان این‌که ایشان نگاه بین‌المللی دارند تصریح کرد:

انتظار دارم که در چاپ و ویراست بعدی تغییراتی با این نگاه بیان شود تا یک خواننده غیرمسلمان بتواند از آن بهره‌برده و اقعاع شود (<https://www.hawzanews.com/877597>).

محتوای بیان ناقد محترم به‌خوبی حاکی از آن است که مؤلف در موضوعات این کتاب به دیدگاه‌های مخالفان موضوع، که همان اعجاز قرآن است، عنایتی نکرده و تمام تلاشش بر آن بوده است تا اعجاز قرآن را از دید قرآن به‌بحث و بررسی بنشیند. در میان منابع این اثر، مستندی که در آن به مخالفت با موضوع اعجاز قرآن پرداخته شده باشد مشاهده نمی‌شود. در فصول و بخش‌های مختلف کتاب هم هیچ مطلبی از مخالفان اعجاز قرآن و کسانی که در موضوع اعجاز قرآن شبهه‌افکنی کرده و آن را به‌چالش کشیده‌اند دیده نمی‌شود. بنابراین، پیش‌نهاد می‌شود بررسی مجدد این موضوع و حداقل بررسی سیر تاریخی اعجاز از دیدگاه مخالفان و به‌ویژه دیدگاه‌های برخی مستشرقان در این خصوص در ویراست‌های بعدی کتاب لحاظ شود تا ارزش استنادی کتاب تقویت شود.

طبق نظر یکی از داوران محترم، نویسنده در کتاب حاضر قلمی علمی و خالی از حشو و زوائد دارد، مطالب سریع و آشکار بیان شده‌اند (همان)، و آنچه این ویژگی را در کتاب بیش‌ازپیش زیباتر کرده ارجاعات و توضیحات فراوان در پانوشته‌های صفحات است. این

ارجاعات و پانوشت‌ها باعث شده‌اند تا مطالب و جملات کوتاه‌تر شوند، یادگیری برای خوانندگان آسان‌تر شود، هر جا که به فهم بیش‌تر نیاز است، خواننده به پانوشت رجوع کند، و علاوه بر آن، با منابع بیش‌تر در حوزه آن مطلب آشنا شود.

### ۳,۵ طرح سؤال‌های جدید و گشودن افق‌های تازه

کتاب‌های درسی دانشگاهی نباید فقط وسیله‌ای برای نقل و انتقال دانش به خوانندگان باشند، بلکه باید مطالب آن سؤال‌های جدیدی در ذهن دانشجویان ایجاد کند و افق‌های تازه‌ای پیش‌روی آنان بگشاید. این هدف از طریق برانگیختن حس کنج‌کاوی و کاوش‌گری در دانشجویان و آموزش تفکر انتقادی به آنان تحقق می‌یابد (رضی ۱۳۸۸: ۲۳). در کتاب مورد بحث، نویسنده محترم به‌خوبی به این مهم واقف بوده است و در درآمد کتاب می‌نویسد: «دانشجو باید به‌جای حفظ و ازبرکردن مطالب به کاوش و تفکر روی بیاورد و خلاقیت خود را در پاسخ به نقاط ابهام و چالش‌ها به‌نمایش گذارد...» (نچارزادگان ۱۳۹۷: درآمد). نویسنده، برای رسیدن به هدف در پایان هر مبحث، بخشی را تحت عنوان «پژوهش» آورده و در آن سؤالاتی را درمورد موضوع بحث مطرح کرده است. این عمل موجب شده است که خواننده با مهم‌ترین مسائل پژوهشی مرتبط با هر موضوع آشنا شود و به‌نوعی آدرس پژوهشی دریافت کند، هر چند برخی از سؤالات مطرح‌شده در این بخش‌ها ارزش پژوهشی جدی ندارند. برای نمونه، سؤال‌هایی که با آیا شروع می‌شود و پاسخ آن‌ها بلی یا خیر است، ارزش پژوهشی ندارند. سؤال پژوهشی باید به مسئله و کیفیت پردازد و فرایندگرا باشد.

یکی دیگر از نکاتی که در این میان به محتوای کتاب ضربه زده است، تکرار برخی مطالب بدون ملاحظه مقام و بی‌توجه به مخاطب است. تکرار مطالب یا مفاهیم بسته به نوع مخاطب و نوع آموزش، می‌تواند مفید باشد یا فایده‌ای بر آن مترتب نشود. مثلاً، اگر مخاطبان کتاب در مراحل آغازین آموزشی باشند و به‌اعتباری در قبال خبر هیچ ذهنیتی نداشته باشند، عقل ایجاب می‌کند که مطالب تکرار شوند، در حالی که مخاطبان کتاب مورد بحث دانشجویان دکتری رشته علوم قرآن هستند و تکرار مطالب ابتدایی باعث خستگی ایشان می‌شود و علاقه آن‌ها را به درس و کلاس کم خواهد کرد. مباحث مربوط به آیات تحدی در گفتار اول (همان: ۵۱-۶۷) و در گفتار چهارم (همان: ۱۴۹-۱۶۱) بخش دوم کتاب تکرار شده است. هم‌چنین، حدود یک‌سوم مطالب کتاب به بحث‌های بدیهی

اعجاز از جمله تعریف لغوی و اصطلاحی اعجاز، معجزه، و علل نیاز به معجزه اختصاص داده شده است. این مباحث هم در دوره کارشناسی و هم در دوره کارشناسی ارشد دروس مرتبط مطرح شده‌اند و دانشجویان به‌وضوح با آن‌ها آشنایی دارند. لذا، طرح این مباحث، آن‌هم با این حجم، به تازگی محتوایی و افق‌نگرانه کتاب خلل وارد کرده است. پیش‌نهاد می‌شود که نویسندگان در چاپ‌های بعدی درباره این بخش‌ها تجدیدنظر کنند.

### ۴,۵ توان آموزشی کتاب

زمانی که صحبت از نقد کتب درسی می‌شود، می‌بایست به این نکته واقف بود که اولین هدف کتب درسی، به‌ویژه کتب درسی دانشگاهی، انتقال پیام آموزشی است. به‌عبارت‌دیگر، در نقد کتب درسی دانشگاهی نمی‌توان و نباید بعد آموزشی آن را نادیده گرفت (نیلی احمدآبادی ۱۳۹۶: ۲۲۱). صاحب‌نظران، در رعایت اصول و ابعاد آموزشی کتب، نکاتی را مطرح کرده‌اند (همان: ۲۲۰) که گفتار حاضر تلاش خواهد کرد تا کاربست آن‌ها را در کتاب یادشده مورد‌مداقه قرار دهد.

### ۱,۴,۵ توجه به ویژگی‌های مخاطبان

منظور از ویژگی‌های مخاطبان پیش‌دانسته‌ها یا دانش موجود یادگیرندگان (مخاطبان و کسانی که کتاب برای آن‌ها نگاشته شده) در مورد موضوع است. سبک یادگیری مخاطبان، هوش، و سطح شناخت و رشد آن‌ها در این بخش جای می‌گیرد.

مطابق سخن ناشر این کتاب، اثر یادشده برای دانشجویان مقطع دکتری علوم قرآن تألیف شده است و مخاطبان اصلی اثر ایشان هستند. حال، باید دید محتوای کتاب با اطلاعات قبلی و پیش‌آموخته‌های آنان در مقاطع تحصیلی قبلی چه ارتباطی دارد؟ آیا آموخته‌ها و مطالعات قبلی آنان را تکمیل می‌کند و معلوماتی به معلومات قبلی آنان در حوزه اعجاز می‌افزاید؟ به‌نظر می‌رسد نگاهی به منابع درسی و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد این رشته پاسخ این سؤال را بدهد. در سرفصل دروس مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی ابلاغی وزارت علوم ۱۳۹۲/۴/۳۰، صفحه ۴، دروس سیر تطور وجوه اعجاز قرآن، اعجاز قرآن، اعجاز علمی قرآن ۱ و ۲، و بررسی نظریه صرفه و آیات تحدی هریک به‌ارزش دو واحد تعریف شده‌اند. نگاهی به سرفصل‌های این دروس (در صفحات ۳۴ تا ۴۳ این ابلاغیه) و مقایسه آن با فهرست مطالب کتاب مورد‌بحث نشان

از آن دارد که کتاب یادشده ویژگی‌های مخاطبان را رعایت نکرده است و چنانچه این کتاب برای دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد معرفی شود بهتر است.

### ۲،۴،۵ جلب و حفظ توجه مخاطبان

برانگیختن توجه مخاطبان از پیش شرط‌های هر نوع یادگیری است و در اغلب فهرست‌های یادگیری جزو اولین موارد ذکر می‌شود. برای جلب توجه در پیام‌های نوشتاری می‌توان به مواردی از قبیل طول جمله‌ها، طول بندها، شکل و رنگ حروف، طریق طراحی، تضاد یا کنتراست رنگ اشاره کرد. صاحب‌نظران حوزه آموزش و روان‌شناسی از این پدیده تحت عنوان مؤلفه خوانایی یاد کرده‌اند و نظریه خوانایی متن را ارائه داده‌اند. آنان قابلیت خوانایی را از نکات مهم در فرایند آموزش دانسته و بر این باورند که اگر متنی فاقد چنین قابلیت‌هایی باشد، فراگیر مطلب را بدون درک فقط حفظ خواهد کرد. بنابراین، چنین محتوایی به سرخوردگی فراگیر و فقدان اعتماد به نفس در وی منجر خواهد شد (ملکی ۱۳۸۴: ۶۱). درباره رعایت این مؤلفه در کتاب مورد بحث، به جرئت می‌توان ادعا کرد که نویسنده محترم به خوبی از عهده این مهم برآمده و استادی خود را نشان داده است. استفاده از جملات کوتاه و ساده، باینکه مخاطبانش دانشجویان دکتری بوده‌اند، و بندهای کوتاه و قابل درک نقش مؤثری در این زمینه ایفا کرده‌اند. هر جا هم که نقل قولی آمده است با عبارت‌هایی کوتاه توضیح داده شده و این کار سبب شده است که متن اصلی و منقول به خوبی از هم تفکیک شوند. هنر معلمی نویسنده آنجا بیش تر خودنمایی می‌کند که برای توضیح بیش تر برخی مفاهیم و اصطلاحات، خواننده را با ارجاع دادن به پانوشت و جملات و بندهای کوتاه از خستگی رها کرده است. علاوه بر آن، واژگان خاص از قبیل اسامی خاص و اشخاص با قلم ایرانیک مشخص شده و ظاهر متن را بسیار چشم‌نواز و زیبا ساخته است.

### ۳،۴،۵ ایجاد فرصت تأمل و درک مطلب برای خوانندگان

کتاب دانشگاهی ماهیتی آموزشی دارد و قرار است دانش، تخصص، یا مهارت مشخصی را به خواننده بیاموزد یا او را به پی‌گیری موضوع تشویق کند. بنابراین، لحن و شیوه بیان نویسنده باید تا آنجاکه ممکن است، با نظریه‌های یادگیری و توصیه‌های علمی این نظریه‌ها همخوانی داشته باشد. این پرسش‌ها می‌توانند در ارزیابی این معیار مؤثر باشند؛ مثلاً آیا نویسنده به پرسش‌های پرتکرار خوانندگان اندیشیده است؟ تا چه میزان مخاطب اصلی

بدون نیاز به کمک می‌تواند مطالب کتاب را درک کند؟ آیا تمرین‌های عملی و مسائلی برای تفکر در کتاب موجود است؟ آیا برای آشنایی مخاطبان با مفاهیم خاص واژگان تخصصی تعریف شده‌اند؟ (منصوریان ۱۳۹۲: ۱۴). به عبارت دیگر، آیا نویسنده به فکر ایجاد فرصت تأمل و درک مطلب برای مخاطب بوده است؟ مؤلف این کار را با طرح نکات و سؤالات چالش‌برانگیز برای مخاطبان و ایجاد شرایط تأمل نقادانه و شرح و بسط بیش‌تر باید انجام دهد و زمینه را برای یادگیری مخاطبان فراهم کند.

اگر مؤلف خود مدرس و معلم در زمینه موضوعی خاص باشد و بخواهد دست به تألیف بزند، اثر وی به سبب تجربه و آشنایی با کلیات موضوع و نیازهای مخاطبان به احتمال زیاد اثری قابل قبول از لحاظ آموزشی خواهد بود. اگر نگاهی به سابقه تحصیلی و آموزشی نگارنده کتاب مورد بحث بیندازیم، خواهیم دید که او هم سابقه تحصیلاتی و هم سابقه تألیف و پژوهش در زمینه اعجاز قرآن را دارد و تسلط وی به این حوزه کاملاً مشهود است. بنابراین، با نیاز مخاطبان به طور کامل آشناست و در پایان هر فصل بخشی را تحت عنوان «پژوهش» گنجانده و سؤالاتی را برای ایجاد فرصت تأمل و پژوهش مخاطبان قرار داده است. اغلب این سؤالات پرسش‌هایی دقیق و پژوهشی هستند و باعث می‌شوند خوانندگان به مطالعه بیش‌تر سوق پیدا کنند و با مراجعه به منابع دیگر اطلاعات خود را توسعه دهند. البته، چنان‌چه مؤلف محترم موضوع و تحلیل برخی سؤالات را در لابه‌لای مباحث کتاب مطرح می‌کرد، ارزش اطلاعاتی و تحلیلی کتاب بیش‌تر از پیش می‌شد.

## ۶. میزان مطابقت محتوای علمی کتاب با مبانی و اصول اسلامی

فحوای کتب درسی دانشگاهی در جمهوری اسلامی ایران اهمیت فراوانی در اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها و عملیاتی کردن اهداف دست‌اندرکاران امور آموزشی، پژوهشی، و فرهنگی دارد. محتوای کتاب حاضر نیز بررسی اعجاز قرآن، به عنوان سند حقانیت دین مبارک اسلام، است و از این نظر کمک شایانی به افزایش اطلاعات دینی و قرآنی علاقه‌مندان علوم اسلامی می‌کند. روش تقریباً متفاوت نویسنده در مقایسه با آثار مشابه قبلی در جای خود قابل توجه است و در نهایت اعجاز قرآن را از زاویه دیگری بررسی می‌کند، اما بهتر بود که به تناسب عنوان اثر اعجاز را از دیدگاه روایت و حدیث نیز بیش‌تر بررسی می‌کرد. این کار می‌توانست اطلاعات خوانندگان را در حوزه اعجاز از دیدگاه روایت بیش‌تر کند.



## ۷. میزان مطابقت اثر با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم و کاربرد اثر در برنامه آموزشی

اصولاً تدوین کتاب درسی بر مبنای برنامه درسی صورت می‌پذیرد. برنامه درسی اساس تدوین کتاب درسی و معیار کارآمدی و اثربخشی آن است. بهترین کتاب درسی کتابی است که به بهترین شیوه ممکن بتواند اهداف برنامه درسی را محقق سازد. بنابراین، نویسنده باید دقیقاً مشخص کند که کتاب درسی مورد نظر مربوط به کدام برنامه درسی است (بختیاری ۱۳۹۱: ۴۷). طبق اظهار نویسنده محترم کتاب، اثر مورد بحث یک کتاب درسی است و برای دانشجویان رشته الهیات گرایش علوم قرآن در مقطع دکتری به ارزش دو واحد تألیف شده است (نजारزادگان ۱۳۹۷: مقدمه). سرفصل ابلاغی مورخه ۱۳۹۶/۱/۳۰ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای مقطع دکتری رشته علوم قرآن و حدیث رئوس مباحث این درس را در سه حوزه کلیات (شامل مفهوم‌شناسی، پیشینه، ارتباط علم اعجاز با سایر علوم قرآن اعم از وحی و نزول، علوم بلاغت، علم کلام، و نقش اعجاز در حجیت و اعتبار آن)، مباحث اصلی (شامل تبیین چگونگی طرح قرآن از موضوع اعجاز، تحدی در قرآن، معارضه با قرآن و مدعیان نبوت، و وجوه اعجاز اعم از نظم، صرفه، اسلوب، معارف و نظامات و تشریح، بلاغت، حقایق و اسرار آفرینش، اخبار غیبی، وجوه بلاغی، و ادبی و علمی)، و مباحث فرعی (شامل نقد شبهات معاصران در حوزه مباحث اعجاز قرآن کریم و تحلیل اجمالی اهم آثار مرتبط با اعجاز قرآن کریم) پیش‌بینی کرده است (سرفصل ابلاغی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ۱۳۹۶: ۱۳). نگاهی کوتاه به فهرست مطالب اثر یادشده حاکی از فراموش شدن بسیاری از مباحث ابلاغی مصوب است. اگر بپذیریم که به‌طور کلی اعجاز قرآن را به دو حوزه معرفتی و زبانی می‌توان تقسیم کرد، مباحث زبانی قرآن از لحاظ اعجاز و جنبه‌های مختلف آن ظرفیت‌های آموزشی و پژوهشی فراوانی دارد که می‌توان دانشجویان دکتری و مخاطبان این کتاب را با آن آشنا کرد. از این رو، جنبه‌های اعجاز‌پژوهی زبانی قرآن از قبیل اعجاز صرفی، نحوی، بلاغی، معناشناسی، و حوزه‌های زبان‌شناسی قرآن در این اثر کاملاً مغفول مانده و نویسنده به آن‌ها توجهی نداشته است. نویسندگان گفتار حاضر حداقل به سبب تجربه چندینی که در تدریس این درس و میزان علاقه‌مندی دانشجویان به طرح این مباحث در کلاس داشته‌اند پیش‌نهاد می‌کنند این جنبه از مباحث در این اثر گنجانده شود. برای این کار، می‌توان از استادان برجسته زبان و ادبیات عربی آشنا به مباحث زبان‌شناسی کمک گرفت. در غیر این صورت، با اذعان به ارزش‌های فراوان محتوایی

این کتاب، می‌بایست یادآور شد که مباحث مفهوم‌شناسی لغوی و اصطلاحی معجزه، تحدی، و معارضه با قرآن تا حدود زیادی برای دانشجویان دکتری از بدیهیات است و آنان در دوره کارشناسی ارشد همین مباحث را در چهار واحد درس نقد و تحقیق در اعجاز قرآن و وجوه آن سپری کرده‌اند. لذا، ضرورت دارد که به اقتضای حال مخاطب، مباحث تطبیقی و عملیاتی‌تر از اعجاز قرآن را به دانشجویان دکتری تعلیم دهد؛ به‌ویژه این‌که نویسنده کتاب یکی از اهداف تألیف خود را سوق‌دادن دانشجویان به پژوهش در حوزه اعجاز قرآن بیان کرده است.

## ۸. ضرورت پژوهشی

هر کار علمی برای پیش‌برد اهداف آن باید ضرورت پژوهشی داشته باشد، زیرا کار پژوهشی در صورت فقدان ضرورت عبث خواهد شد. در این جهت، تبیین سؤالات پژوهش به نمایاندن ضرورت پژوهش کمک شایانی می‌کند؛ چیزی که در کتاب موردبحث تا حدی شاهد آنیم که چه‌بسا سبب آن جزئی‌بودن سؤالات پژوهش باشد، به‌طوری‌که نویسنده از صفحه ۱۹ تا ۲۱ حدود چهارده سؤال در زیر عنوان پژوهش ذکر می‌کند. باین‌حال، بخشی از این سؤالات (در حدود شش سؤال) با آیا شروع می‌شود که ناگزیر پاسخ آن‌ها بله یا خیر است. این‌گونه سؤالات اهمیت کار پژوهشی را به حاشیه می‌کشاند؛ سؤالاتی نظیر «آیا معجزه امری خارق‌العاده یا ناقض قانون طبیعت است؟ یا آیا معجزه از نظر قرآن تنها برای راستی‌آزمایی آورنده آن است؟ و...» نمی‌تواند چندان در تبیین ضرورت پرداختن به این موضوع کارآمد باشد، زیرا نمی‌توان با سؤالات سطحی و جزئی به اهمیت و ضرورت پژوهش رسید.

## ۹. نتیجه‌گیری

کتاب درسی ویژگی‌های گوناگونی دارد که موفقیت نسبی آن به چگونگی سازگاری بخش‌های مختلف آن با اصول نگارش کتاب‌های درسی بستگی دارد. کتاب تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت تلاشی برای تبیین و تحلیل اعجاز قرآن برای دانشجویان و علاقه‌مندان حوزه مرتبط است. با نگاهی انتقادی به اثر حاضر و مطابقت آن با اصول و معیارهای نگارش کتاب دانشگاهی، برخی نقاط ضعف و قوت برای

کتاب یادشده به ذهن می‌رسند که به منظور تقویت کتاب بررسی می‌شوند. از جمله نقاط ضعف آن عبارت‌اند از: ۱. طرح جلد آن به علت رعایت نکردن رنگ‌های متناسب با محتوا، موضوع کتاب، و نیز رعایت نکردن ساختار هندسی و اشکال به کاررفته در ظاهر و نداشتن خلاصه‌ای کوتاه از محتوای اصلی یا اشاره نکردن به هویت مؤلف و نگارنده کتاب؛ ۲. فقدان عنوان جذاب به دلیل کاربرد واژه زائدی هم‌چون «تحلیل» که محتوا بدان اشاره می‌کند و استفاده از واژه «همانندناپذیری» به جای واژه اعجاز که خاص قرآن است و به نوعی انحصار کاربرد واژه اعجاز را در خصوص قرآن از بین برده است؛ ۳. تکرار مطالب و کلی‌گویی. طبق بررسی نویسندگان پژوهش حاضر، که با مراجعه به فهرست مطالب و محتوای هرکدام از عناوین مشخص شد، فهرست بیش از ۸۰ درصد محتوای کتاب تکرار مطالب منابع پیشین در خصوص اعجاز قرآن و مسائل مربوط بدان است. این نقص باعث شده است که تفکر انتقادی هم در کتاب ضعیف باشد و در نهایت نتواند تفکر انتقادی را در دانشجویان تقویت کند. اغلب سؤالات مطرح شده در پایان مباحث کتاب بعد مسئله‌پژوهی ندارند یا سؤالاتی بدیهی‌اند یا سؤالاتی که جوابشان بله یا خیر است. در نهایت، این ضعف در تقویت تفکر انتقادی و افزایش میزان کیفیت یادگیری دانشجویان تأثیرگذار خواهد بود؛ ۴. اشاره نکردن به ضرورت پژوهش. نویسنده محترم در مقدمه کتاب به ضرورت تحقیق هیچ اشاره‌ای نداشته و ذکر نکرده که در ازای منابع فراوانی که در خصوص اعجاز قرآن نگاشته شده است انجام این تحقیق چه ضرورتی داشته است و چه حلقه مفقوده‌ای از مباحث و تحقیقات درمورد اعجاز قرآن را پیدا و تکمیل می‌کند؛ ۵. عدم تفکیک مباحث کتاب مبتنی بر عنوان ارائه شده. عنوان کتاب تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت است. از این رو، انتظار می‌رفت در بخشی جداگانه به تحلیل اعجاز قرآن در آموزه‌های سنت پردازد که متأسفانه به این مهم پرداخته است.

در کنار نقاط ضعف یادشده، برخی نقاط قوت کتاب عبارت‌اند از: ۱. حروف‌نگاری زیبا و قلم خوب به هم‌راه حاشیه‌نگاری و پانوشته‌های بسیار که گاه در شرح و توضیح واژه‌ها و اصطلاحات مبهم خودنمایی می‌کند؛ ۲. صفحه‌آرایی زیبا و چشم‌نواز که با بندهای متناسب و به‌جا خواننده را مجذوب خود می‌کند و مباحث با این نوع بند به‌خوبی از هم متمایز و در سیر متناسبی قرار دارند؛ ۳. در زمینه محتوا هم مطالب منسجم، سلسله‌وار، و منظم آورده شده‌اند. هریک از مباحث به نوعی پیش‌نیاز آموزشی برای مباحث بعدی است. این حسن به تقویت تفکری نظام‌مند در مخاطبان نیز منجر می‌شود، زیرا همان‌طور که می‌دانیم، اگر

نویسنده به ایجاد تفکر نظام‌مند در اثر خود تلاش کند، باعث انسجام ذهن خوانندگان می‌شود و خوانندگان راحت‌تر پیچیدگی‌های یک مسئله را درک خواهند کرد. درنهایت، از این طریق قابلیت آموزشی کتاب بیش‌تر و برای علاقه‌مندان مطالعه در حوزه اعجاز قرآن کتاب آموزشی مناسبی محسوب می‌شود؛ ۴. از دیگر محاسن این اثر استناد به منابع معتبر و امانت‌داری آن‌هاست، چراکه مؤلف با ارجاع به منابع غالباً معتبر و اصیل محتوای کتاب خویش را مستند ارائه داده است. درپایان، نویسندگان مقاله حاضر دو پیش‌نهاد را به مؤلف محترم ارائه می‌کنند: ۱. برای تقویت بیش‌تر محتوا، نویسنده به آخرین یافته‌های موجود در مجموعه مقالات سمینارها و منابع الکترونیکی مراجعه کند و آن را روزآمدتر کند و جامعیت آن را ارتقا دهد؛ ۲. برای تدریس درس «اعجاز قرآن کریم» از منابعی با زبان اصلی (عربی) بهره گرفته شود تا ضمن آشنایی دانشجو با زبان عربی، به‌عنوان زبان قرآن، مقدمات فهم متون به زبان اصلی نیز فراهم شود. پیش‌نهاد نویسندگان کتاب *فکره إعجاز القرآن من البعنه النبویه الی عصرنا الحاضر از نعیم الحمصی* است؛ ۳. شاهد مثال‌ها و نمونه‌هایی از اعجاز قرآن در قالب الفاظ، واژگان، و تحلیل‌های درمورد آن ارائه شود، زیرا همان‌طور که می‌دانیم، اعجاز قرآن در دو بعد لفظی و محتوایی است که نویسنده تنها به اعجاز از جنبه محتوایی پرداخته و از جنبه لفظی غافل مانده است.

## کتاب‌نامه

ابن فارس، احمد بن فارس (۱۳۶۶ ق)، *ترتیب مقایس اللغة*، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دار الفکر.

اسلامی، سید حسن (۱۳۹۱)، *اخلاق و آیین تقد کتاب*، تهران: خانه کتاب.

بختیاری، حسن (۱۳۹۱)، «الگوی طرح تألیف کتاب»، فصل‌نامه مدیریت آموزش انتظامی، پیاپی ۲۰.

حری، عباس (۱۳۸۱)، *آیین نگارش علمی*، تهران: نهاد کتاب‌خانه‌های عمومی کشور.

خاکی، غلام‌رضا (۱۳۹۰)، *روش تحقیق با رویکرد پایان‌نامه‌نویسی*، تهران: بازتاب.

رضی، احمد (۱۳۸۸)، «شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی»، *سخن سمت*، پیاپی ۲۱.

زارع برمی، مرتضی (۱۴۰۰)، «نگاه انتقادی به ساختار و محتوای کتاب *ادب المقاومة*»، پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ش ۲.

## تحلیل و نقد کتاب تحلیل همانندناپذیری ... (عسگر بابازاده اقدم و دیگران) ۱۴۷

سرفصل ابلاغی مصوب وزارت علوم تحقیقات و فناوری (۱۳۹۲)، کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، تهران: دانشگاه تهران.

طیب حسینی، سید محمود (۱۳۹۶)، *درآمدی بر دانش مفردات*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.  
علی اکبرزاده، مهدی (۱۳۷۰)، «روان‌شناسی رنگ‌ها»، *مجله تربیت*، س ۷، ش ۱.  
غلام‌علی پورزندی، هما (۱۳۹۹)، «طراحی جلد کتاب‌های حسین پناهی با استفاده از تصویرسازی با رویکرد جذب مخاطب»، *دوماه‌نامه پژوهش در هنر و علوم تخصصی*، ش ۶.  
فتوحی، محمود (۱۳۸۷)، *آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی*، تهران: سخن.  
قاسمی، حمید، سارا کشت‌گر، و لیلا ایزدپرست (۱۳۹۴)، *روش‌شناسی نقد و بررسی کتاب*، تهران: جامعه‌شناسان.

معروفی، یحیی و محمدرضا یوسف‌زاده (۱۳۹۴)، *تحلیل محتوا در علوم انسانی*، همدان: سپهر دانش.

ملکی، حسن (۱۳۸۴)، «شیوه طراحی و تألیف کتب درسی»، *سخن سمت*، پیاپی ۱۵.  
منصوریان، یزدان (۱۳۹۲)، «صد ویژگی کتاب‌های درسی دانشگاهی اثربخش و کارآمد»، *دوفصل‌نامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی*، پیاپی ۲۹.  
نजारزادگان، فتح‌الله (۱۳۹۷)، *تحلیل همانندناپذیری (اعجاز) قرآن در آموزه‌های قرآن و سنت*، تهران: سمت.

نیلی احمدآبادی، محمدرضا و علی دانا (۱۳۹۶)، «جستاری بر ابعاد و مؤلفه‌های ارزیابی نقادانه کتب درسی دانشگاهی»، *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، س ۱۷، ش ۷.

<<https://www.hawzanews.com/877597>>.

<<https://www.najarzadegan.ir>>.

